

کامنت سعید امیری در فیسبوک یاشار آذری

بجای درگیری های حاشیه ای و شخصی به مبارزات طبقاتی روی آوریم

خصلت پیشروی تاریخی سرمایه داری دهه هاست که سپری شده، بقول مارکس مرز و موانع تولید سرمایه داری خود سرمایه داری است. این بن بست تاریخی باعث گرایش سرمایه صنعتی بسمت سرمایه مالی و سرانجام سرمایه موهومی شده است. لذا تماما ویژگی و خصلت رشد خود را از دست داده است. دو جنگ جهانی و جنگ های منطقه ای مستمر بیش از یک سده است که بشریت را با فجایع مختلف روبرو کرده، با بحران ها مداوم کنونی امکان جنگ سوم محتمل است، مگر آنکه تحولات سیاسی گسترده ای بوقوع بپیوندد. سوریه و خاور میانه کانون این بحران ها بطریقی در جنگ امپریالیستی می سوزند که مشابه آن در تاریخ بندرت بوقوع پیوسته است. مردم بطور اعم و کارگران بطور اخص در یک بی حقوقی وحشتناکی در کشورهای پیرامونی و خود کشورهای سرمایه داری بسر می برند. در کنار جنگ طبقاتی داخلی در ایران جنگ خارجی نیز یک تهدید قوی بشمار میرود جنبش های مترقی و کارگری طی دوران کنونی به استثنای پیروزی های مقطعی جز شکست، چیز دیگری نصیبشان نشده. در کنار شرایط کنونی کانون های مقاومت اندکی شکل گرفته است. عمده ضعف کانون های مبارزه طبقاتی نه نیروی مردمی و کارگران آماده مبارزه، بلکه فقدان چشم انداز، خط مشی و برنامه اجتماعی و اقتصادی سوسیالیستی است. که تدوین آن در کوران مبارزات عملی خود تلاشی مضاعف و جمعی می طلبد.

در چنین شرایطی هدف اصلی و تمامی هم و غم زندگی و دغدغه برخی مدعیان حتی بعد از مدتها همکاری با یکدیگر به اینجا رسیده که اثبات کنند: فلانی بورکرات است، فلان گروه و محفل انقلابی یا مبارزه نیست. می بایست گفت فرضاً اظهاراتتان کاملاً صحیح و فلانی بورکرات است. خود تا چه اندازه باعث تغییر توازن مبارزه طبقاتی، عملی و واقعی بنفع کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده شده اید؟ اثبات بورکرات یا غیر مبارز بودن فرد یا محفلی چه دردی از کارگران ایران یا زحمتکشان جهان دوا می کند. چیزی که تعیین کننده است، پیشبرد و پیوستگی در صفوف عملی مبارزه در کنار کارگران و زحمتکشان و مردم مبارز و آزادیخواه در مبارزه ای واقعی و عملی و تحمل سختی ها و جانفشانی در بسترهای مبارزات جاری است. از دور یک عبارت و یک بیانیه و حتی یک کتاب هوا کردن که اساساً تغییری در توازن مبارزه عملی موجود ندارد، یک امر شخصی و غیر اجتماعی است.

در مبارزه واقعی و مسیر عملی هر جریان بهترین روش، اثر بخش ترین برنامه و خط مشی مبارزاتی را طرح و در حوزه فعلیت مبارزه و سازماندهی، عملاً آنرا به پیش برد گامی در جهت مبارزات برداشته و تنها در این حالت، خط مشی های انحرافی در حاشیه قرار گرفته و یا مجبور به اصلاح می شوند. درگیری های کلامی و مفهومی که خارج از مبارزه عملی و واقعی موجود است اساساً ربطی به مارکس و مبارزات کارگری نداشته و سرگرمی های روشنفکری غیر کارگری محسوب می شود. باید جستجو کرد که واقعا هدف از طرح این مباحث جنجالی بی فایده چیست؟ و برای این سرگرمی ها نباید اساساً ذره ای وقت گذارد